



## درس فراه فقہ استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

تاریخ: ۱ آبان ۱۳۹۵

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونة السنة

مصادف با: ۲۰ محرم ۱۴۳۸

موضوع جزئی: مسئله پانزدهم - اقوال چهارگانه در مسئله جبران خسارت

جلسه: ۱۱

سال هفتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

عرض شد موضوع مسئله پانزدهم جبران خسارات یا تلفات از ارباح است. عرض شد که سود و ربح بعد از کسر مؤونه متعلق خمس است لکن در مسئله پانزدهم بحث از این است که آیا ضرر و خسارت در دایره عموم و جوب خمس قرار دارد یا خیر؟ به تعبیر دیگر آیا ضرر و زیان جزء مؤونه محسوب نمی‌شود و متعلق خمس است یا اینکه ضرر و زیان به عنوان مؤونه به حساب می‌آید و بعد از کسر و انکسار خمس تعلق می‌گیرد.

عرض شد مرحوم سید نیز به این مطلب در مسئله ۷۳ و ۷۴ عروه پرداخته‌اند. ابتدا به اقوالی که در این مسئله وجود دارد اشاره می‌شود و بعد مطلبی که امام (ره) در این مسئله فرموده‌اند بیان می‌شود تا معلوم شود مطلب امام (ره) در دایره کدام یک از این اقوال قرار می‌گیرد.

موضوع مسئله را دوباره عرض می‌کنم؛ بحث در مورد کسی است که در تجارت و کسب و کارش هم سود کرده و هم زیان، اکنون می‌خواهیم ببینیم که هنگام محاسبه خمس، ضرر و زیان را باید کنار بگذارد و هر چه سود کرده محاسبه کند و خمسش را پرداخت کند یا اینکه حساب می‌کند که چقدر سود و زیان کرده و بعد ضررها را کم می‌کند و آنچه که باقی می‌ماند متعلق خمس می‌شود. در این رابطه چهار قول وجود دارد.

### اقوال در مورد جبران خسارت

#### قول اول (جبران ضرر مطلقاً)

یک قول، قول به جبران است مطلقاً. یعنی به طور کلی اگر کسی ضرر کند، اعم از اینکه این ضرر یا تلف از سرمایه‌اش یعنی رأس المال باشد یا از غیر رأس المال باشد؛ چون ممکن است کسی سرمایه کسب و کارش مورد ضرر و زیان قرار گیرد مثلاً ده میلیون تومان پول را وارد کاری کرده و در معاملاتش از این ده میلیون ضرر کرده است. گاهی هم ممکن است خارج از سرمایه و رأس المال یعنی از اموال دیگرش خسارت ببیند، مثلاً در خانه‌ای که زندگی می‌کند مقداری طلا یا جنس گران قیمت دارد و این تلف می‌شود یا اینکه طلاها از خانه‌اش سرقت می‌شود، اینجا تلف یا خسارت از رأس المال نیست، بلکه از یک مال دیگر است. قائلین به این قول می‌گویند ضرر و زیان مطلقاً جبران می‌شود اعم از اینکه این ضرر و زیان از رأس المال یا سرمایه کسب و کارش باشد یا از سایر اموال باشد. همچنین فرقی نمی‌کند این ضرر در همان نوعی از تجارت باشد که در آن سود کرده یا در نوع دیگری باشد، «مطلقاً من دون فرق بین کون التلف او الخسارة من رأس

المال او غيره و من دون فرق بين كونه في نوع واحدٍ من التجارة او من انواع مختلفة». اين قول از كلمات مرحوم آقاي منتظري بدست مي آيد.<sup>۱</sup>

### قول دوم: مرحوم سيد

قول دوم، قول به تفصيل بين جايي است كه ضرر از رأس المال يا از غير رأس المال باشد. به اين بيان كه اگر تلف يا خسارت از غير رأس المال باشد، در اين صورت ضرر جبران نمي شود؛ يعني هنگام محاسبه سود، سود را محاسبه مي كند و خمس آن سود را بايد بپردازد و نمي تواند ضررهائي كه متوجه يك سرمايه ديگر او شده را در كنار اين ربح و سود قرار دهد و بعد از كسر و انكسار خمس بپردازد. ولي اگر خسارت يا تلف از رأس المال باشد، در بعضي صور قائل به جبران شده اند و در بعضي صور قائل به عدم جبران. مرحوم سيد از كساني است كه به اين قول ملتزم شده و در مسئله ۷۳ فرموده است: «لو تلف بعض امواله مما ليس من مال التجارة أو سرق أو نحو ذلك لم يجبر بالربح و إن كان في عامه إذ ليس محسوباً من المئونة»<sup>۲</sup>؛

مرحوم سيد در مسئله ۷۳ فرمود: اگر بعضي از اموالي كه از مال التجارة نيست تلف شود يا سرقت شود يا امثال ذلك، اينجا با سود جبران نمي شود هر چند در همان سال باشد چون تلف و سرقت از غير رأس المال، جزء مؤونه نيست. ولي ايشان در صورتی كه تلف يا خسارت از رأس المال باشد در بعضي صور قائل به جبران شده و در بعضي صور قائل به عدم جبران شده اند. از آنجايي كه در گذشته هم مسائل تحرير بيان مي شد و هم مسائل عروه، لذا مناسب است در اينجا نيز مسئله ۷۴ خوانده شود تا تفاوت نظر مرحوم سيد با نظر امام (ره) دقيقاً معلوم شود.

مرحوم سيد مي فرمايد در صورتی كه خسارت يا تلف از رأس المال باشد، اگر اين خسارت يا تلف در رأس المال مربوط به يك نوع از تجارت باشد، در اين صورت جبران مي شود؛ مثلاً شخصي مشغول تجارت گندم است، سرمايه اي كه براي خريد گندم به كار برده دچار نقص شده و ضرر كرده است، فرضاً پنج بار اين كار را انجام داده، دو بار سود كرده و سه بار ضرر كرده است؛ مي گويند در اينجا كسر و انكسار مي شود و بعد خمس پرداخت مي شود. يا اگر تجارت اين شخص انواع مختلفی داشته باشد، مثلاً تجارت گندم، شكر و تجارت ميوه دارد كه در يك نوع زيان مي كند و در يك نوع سود مي برد، اينجا هم مرحوم سيد مي فرمايد جبران مي شود. يعني سود محاسبه مي شود و ضرري كه تاجر كرده هم محاسبه مي شود آنگاه اگر زياد آمد خمس آن داده مي شود.

مرحوم سيد در مسئله ۷۴ عروه فرموده است: «لو كان له رأس مال و فرقه في أنواع من التجارة»<sup>۳</sup>؛ اگر رأس المال داشته باشد و اين را توزيع كرده در انواع متعدد تجارت. يعني پولش را در چند رشته كاري انداخته است، «فتلف رأس المال أو بعضه»؛ رأس المال تلف شد يا بعضي از آن، «من نوع منها»؛ بعضي از اين رأس المال در يك رشته كاري دچار خسارت يا تلف شده، «فالأحوط عدم جبره بربح تجارة أخرى»؛ ايشان احتياط مي كند كه اين ضرر با سود تجارت ديگر جبران

۱. كتاب الخمس، ص ۲۲۰.

۲. عروه، ج ۲، ص ۳۹۸.

۳. همان.

نمی‌شود، «بل و كذا الأحوط عدم جبر خسران نوع بربح أخرى»؛ بلکه احوط این است که ضرر یک نوع با سود نوع دیگر جبران نمی‌شود.

به این دو کلمه احوط که ذکر شد دقت شود: احوط اول مربوط به تلف است و احوط دوم مربوط به خسارت است. تلف با خسارت فرق می‌کند. تلف این است که مال نابود می‌شود، مثلاً بعضی از رأس المال به کلی از بین می‌رود. خسارت یعنی اینکه دچار ضرر می‌شود. در هر دو صورت [چه تلف و چه خسارت] می‌فرماید احتیاط آن است که تلف یا خسارت در یک نوع از تجارت با بربح در نوع دیگر تجارت جبران نمی‌شود. بعد می‌فرماید: «لكن الجبر لا يخلو عن قوة خصوصاً في الخسارة»؛ پس نتیجه این شد که مرحوم سید می‌فرماید اگر خسارت در یک نوع از تجارت یا چند نوع آن باشد، جبران می‌شود. لذا آن دو "احوطی" هم که بیان کرده، احتیاط مستحبی است یعنی احتیاط مستحب این است که مسئله کسر و انکسار را پیش نکشد اما از نظر فتوایی ایشان می‌فرماید فتوا این است که جبران شود. «نعم لو كان له تجارة و زراعة مثلاً فخسر في تجارته أو تلف رأس ماله فيها فعدم الجبر لا يخلو عن قوة»؛ اما در جایی که دو نوع متفاوت مثل تجارت و زراعت است، ایشان فتوا به عدم جبران می‌دهد؛ «خصوصاً في صورة التلف و كذا العكس و أما التجارة الواحدة فلو تلف بعض رأس المال فيها و ربح الباقي فالأقوى الجبر»، اما اگر تجارت واحد باشد که در آن بعضی از رأس المال تلف شود و در بقیه سود کند، اقوا این است که این ضرر با آن سود جبران می‌شود؛ «و كذا في الخسران و الربح في عام واحد في وقتين»؛ همچنین در مورد کسی که در دو وقت معامله می‌کند و در یک معامله سود می‌کند و در دیگری ضرر، اینجا هم جبران می‌شود؛ «سواء تقدم الربح أو الخسران فإنه يجبر الخسران بالربح»؛ فرقی هم نمی‌کند که اول ضرر کند و بعد سود کند یا اینکه اول سود کند و بعد ضرر کند، در هر دو صورت مسئله جبران و کسر و انکسار مطرح است.

پس محصل نظر مرحوم سید این شد که ایشان اولاً بین صورت تلف یا خسارت از غیر رأس المال و صورت تلف و خسارت از رأس المال تفصیل می‌دهد و می‌فرماید در صورت اول کسر و انکسار و جبران مطرح نیست ولی در صورت دوم مطرح است. آن وقت ایشان در جایی که مسئله تلف یا خسارت از رأس المال باشد می‌فرماید: در صورتی که تجارت واحد باشد، جبران و کسر و انکسار می‌شود و همچنین اگر تجارت انواع متعدد باشد کسر و انکسار صورت می‌گیرد ولی اگر هم تجارت هم زراعت داشته باشد مسئله جبران ضرر یکی از سود دیگری مطرح نیست.

### **قول سوم (قول شیخ انصاری: تفصیل بین صورت تلف و صورت خسارت)**

قول سوم تفصیل بین صورت تلف و صورت خسارت است. بعضی گفته‌اند که اگر کسی در معامله ضرر کند، در این صورت حکم به جبران می‌شود ولی اگر تلف شود، مسئله جبران مطرح نیست، هر چند این تلف در مال التجارة باشد. ظاهر کلمات مرحوم شیخ انصاری دلالت بر این نظر می‌کند که بین صورت تلف و خسارت فرق است.

### **قول چهارم (قول امام (ره): تفصیل بین صورت استقلال تجارت و عدم استقلال)**

قول چهارم که قول امام (ره) است تفصیل بین صورت استقلال تجارت و عدم استقلال می‌باشد. یک ضابطه ای را ایشان در تعلیقه خودشان در مسئله ۷۴ عروه دارند که اگر ما با این ضابطه وارد مسئله پانزدهم تحریر شویم، مسئله کاملاً برای ما روشن می‌شود. امام (ره) ذیل همین مسئله ۷۴ عروه که بیان شد، یک حاشیه ای دارند. محصل این حاشیه این است که باید

نگاه کنیم آیا این تجارت مستقل است یا استقلال ندارد. منظور از استقلال و عدم استقلال یعنی اینکه آیا دفاتر و حساب های شخصی آیا در یک جا جمع می شود یا در جاهای متعدد است؟ مسئله، مسئله وحدت نوع تجارت یا تعدد تجارت نیست.

#### فرق نظر امام و مرحوم سید

مرحوم سید مدار جبران یا عدم جبران را در وحدت یا تعدد نوع کسب قرار داده اند. ایشان فرمودند اگر یک نوع کسب است، کسر و انکسار می شود، مثلاً شخصی فقط شغلش تجارت است، در این شغل هرچه ضرر کند با سودهایش کسر و انکسار می شود. اما اگر دو یا سه رشته کاری دارد، خسارت و ضرر در یک رشته کاری با سود تجارت دیگر محاسبه و کسر و انکسار نمی شود. ضرری که در تجارت کرده را نمی تواند با سود در زراعت کسر و انکسار کند و بعد بگوید که هر چه باقیماند من خمس بدهم.

امام (ره) اصلاً کاری به وحدت و تعدد نوع کسب ندارد. بلکه ضابطه ایشان، مسئله استقلال و عدم استقلال است. می گویند اگر کسی فرضاً یک مرکزیتی دارد که همه فعالیت های اقتصادی اش را از نظر دفتر و هزینه ها و دخل و خرج در آن مرکز انجام می دهد [ولو پنج نوع تجارت دارد، فرض کنید برنج و گندم و شکر و...]، اینجا ضرر با سود جبران می شود؛ مثلاً سودی که در برنج کرده با ضرری که در گندم کرده محاسبه می شود و کسر و انکسار می شود و باقیمانده اش متعلق خمس است. ولی اگر دفاتر متعدد است یعنی این ها مستقل هستند مثلاً یک کسی در ایران فعالیت دارد، در عراق هم فعالیت دارد و در افغانستان هم دارد. هر کدام از این ها یک دفتر مستقلی دارد و جداگانه دخل و خرج ها منعکس می شود و سود و زیان ها آنجا محاسبه می شود و این ها با هم هیچ کاری ندارند، هر چند در یک رشته تجاری باشد و در همه این ها مثلاً خرید و فروش گندم است. اینجا آن خسارت و ضرری که در تجارت گندم در عراق دارد با سودی که در ایران دارد کسر و انکسار نمی شود. پس طبق نظر امام مسئله، مسئله وحدت نوع کسب یا تنوع کسب مطرح نیست، اینجا تفاوت نظر امام با مرحوم سید روشن می شود. مرحوم سید ملاک را وحدت و تعدد نوع کسب قرار داد، در اولی حکم به جبران کرد و در دومی فتوا به عدم جبران داد اما امام (ره) مسئله را بر استقلال تجارت و رأس المال و عدم استقلال قرار داد.

به عنوان مثال مغازه های سوپر مارکت که الان خیلی هم رایج است، در این مغازه ها همه مایحتاج عمومی از پوشاک و خوراک و مواد غذایی و مصارف مورد نیاز در منزل وجود دارد. این ها در واقع انواع متعدد تجارت است، صاحبان این فروشگاهها باید از مکانهای متعدد، خرید کنند؛ مثلاً از یک جا گوشت بخرد، از یک جا مرغ بخرد و از یک جا مواد غذایی بخرد اما همه این ها متمرکز در یک مکان و در یک دفتر است و همه دخل و خرج ها در یک جای به خصوصی است و در آخر سال هم می گویند این مرکز چقدر سود و چقدر زیان کرده است. در اینجا کسر و انکسار می شود اما فرض کنید که یک شخصی است که فقط یک جنس می فروشد و فقط مرغ می فروشد، این شخص یک تجارت دارد اما این شخص در جاهایی دفتر مستقل دارد که وابسته به دفتر اصلی نیستند و واسطه نیستند، این ها اصلاً جداگانه است و خودشان خرید می کنند و سود و زیانها دفاتر مستقل دارد. از آنجایی که این نوع فروشگاهها مستقل از یکدیگر هستند [ولو یک نوع تجارت دارند]، کسر و انکسار صورت نمی گیرد و نمی تواند ضرری را که مثلاً در شیراز داشته است، با سودی که در قم

داشته کسر و انکسار کند. البته دقت کنید که مسئله تعدد مکان مطرح نیست، اصلاً استقلال در تجارت یعنی از نظر دفاتر و دخل و خرج و حساب و کتاب کاملاً جدا از هم هستند، اینجا کسر و انکسار صورت نمی‌گیرد.

عبارت امام به عنوان حاشیه در تعلیقه ذیل مسئله ۷۴ را ملاحظه فرمایید: «الظاهر»؛ یعنی آنجایی که مرحوم سید مسئله را روی وحدت و تعدد نوع کسب می‌برد، «أن المیزان فی الجبر و عدمه هو استقلال التجارة و رأس المال و عدمه»؛ میزان در جبران و عدم جبران استقلال تجارت و عدم استقلال است؛ «بمعنی آنکه لو کان له رأس مال جعله فی شعب یجمعها شعبة مرکزیة بحسب المحاسبات و الدخل و الخرج و الدفتر»؛ به این معنا که اگر او یک رأس مالی دارد که این را در شعبه‌های مختلف قرار داده و همه این‌ها در یک شعبه مرکزی محاسبه می‌شود، [منظور از شعبه مرکزی به حسب محاسبات و دخل و خرج و دفتر است]؛ «یجبر النقص و لو کان الأنواع مختلفة»؛ اینجا نقص جبران می‌شود ولو انواع مختلف باشد؛ «و لو کان له رأس مال آخر مستقل»؛ اما اگر یک رأس مالی دارد که مستقل است؛ «غیر مربوط بالآخر من حیث رأس المال»؛ یعنی سرمایه‌ای که فرض کنید در شیراز گذاشته، غیر از سرمایه‌ای است که در قم گذاشته است؛ «و الجمع و الخرج و المحاسبات»؛ دفاتر و خرج و محاسباتش جدا از هم هست و از هم مستقل هستند؛ «لم یجبر به نقص الآخر»؛ نقص دیگری با ربح دیگری جبران نمی‌شود؛ «و لو کان الاتجار بنوع واحد»؛ هر چند تجارت در یک نوع باشد؛ «و کذا الحال فی التجارة و الزراعة»؛ در تجارت و زراعت هم همینطور است، اصلاً ممکن است شخصی یک کارش تجارت باشد و یک کارش زراعت. تا اینجا درباره انواع مختلف تجارت و خرید و فروش بود، اما ممکن است شخصی یک کارش زراعت و کار دیگریش تجارت باشد. اگر اینگونه باشد «فیجری فیهما ما ذکرنا من استقلال رأس المال و عدمه»؛ همین ضابطه آنجا هم پیاده می‌شود.

پس ملاحظه فرمودید امام (ره) مسئله و میزان در جبران ضرر و خسارت و کسر و انکسار سود و زیان را در این قرار دادند که آیا این رأس المال تجارت‌ها، چه از نوع واحد و چه انواع متعدد آیا مستقل از یکدیگر هستند یا به هم وابسته‌اند؟ اگر به صورت کلی مستقل باشند، اینجا کسر و انکسار و جبران ضرر با سود صورت نمی‌گیرد اما اگر مستقل نباشند و به هم پیوسته باشند ولو از انواع مختلف، حتی مثل تجارت و زراعت باشند در این صورت جبران و کسر و انکسار صورت می‌گیرد.

امام (ره) در مسئله پانزدهم چهار صورت بیان کردند که در سه صورت حکم به جبران و کسر و انکسار سود و زیان کردند. در یک صورت فرمودند ضرر و زیان با سود جبران نمی‌شود؛ آن سه صورتی که فتوا به جبران و کسر و انکسار دادند، همه از مواردی است که استقلال رأس المال در آن نیست و آن صورت چهارم که فتوا به عدم جبران دادند، آنجایی است که استقلال دارند.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. عروه الوثقی مع تعلیق الامام الخمینی، ص ۶۸۱.